

اثر گروه مواجهه در حل تعارض مادرها و دخترهای ۱۶-۱۵ تهرانی

ماری بکتاش

کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه خاتم

دکتر باقر ثنائی ذاکر

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

دکتر پروین کدیور

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

چکیده

این پژوهش به بررسی سودمندی گروه مواجهه در حل تعارض مادرها و دخترها پرداخته است. نمونه مورد پژوهش ۴۰ نفر شامل دخترهای ۱۶ - ۱۵ ساله و مادرانشان است که از بین دانش‌آموزان منطقه پنج تهران به شیوه خوشه‌ای انتخاب شدند. دختران بعد از مصاحبه مقدماتی به اتفاق مادرانشان در دو گروه آزمایشی و گواه قرار گرفتند. اعضای گروه آزمایشی در ۸ جلسه مشاوره گروهی و هر جلسه به مدت ۹۰ دقیقه شرکت کردند. یک هفته بعد از آخرین جلسه، پس از آزمون روی هر دو گروه اجرا شد. ابزار مورد پژوهش پرسشنامه رابطه ولی - فرزندی، فرم مادر - فرزند ساخته مورلند، فاین و شوپیل است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسشنامه یاد شده در پیش آزمون و پس آزمون، از روش‌های آمار توصیفی، میانگین، انحراف معیار و نمودار؛ و در آمار استنباطی، تی استودنت گروه‌های مستقل استفاده شد و نتایج زیر بدست آمد: گروه مواجهه، تعارض مادرها و دخترها را کاهش می‌دهد. همچنین گروه مواجهه در بهبود ارتباط و عاطفه مثبت بین مادرها و دخترها موثر است.

مقدمه

نوجوانی مرحله انتقال از کودکی به بزرگسالی است. این دوره با تغییرات سریع فیزیکی و رشد تفکر انتزاعی شروع می‌شود ولی پایان آن بر حسب شرایط فرهنگی و محیطی متفاوت است. از نظر اریکسون فرهنگ‌های صنعتی موجب طولانی شدن دوره نوجوانی می‌شوند. او علت این طولانی شدن را یادگیری‌های مربوط به این دوران می‌داند (احمدی و محسنی، ۱۳۷۰؛ ساتروک^۱، ۲۰۰۰).

نوجوانی دوران تحولات رشدی در زمینه‌های جسمانی، عاطفی، روانی و اجتماعی است. برنت به نقل از پرهیزکار (۱۳۸۱) معتقد است که یکی از اصول بنیادی مهم در اجتماعی شدن، تعامل با آن‌هایی است که از نظر عاطفی برای فرد اهمیت دارند که در این میان والدین از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

والدین بنیاد شخصیت سالم نوجوانان را پی‌ریزی می‌کنند. همچنین روابط نادرست والدین با نوجوانان از نظر مهرورزی و عاطفی و سختگیری افراطی از جمله عوامل انحراف نوجوانان است. معمولاً والدین نوجوانان خود را به صورت کودک می‌نگرند و این درک نکردن باعث کشمکش بین آنان می‌شود، در نتیجه نوجوانان در مقابل تحکم و دستورات والدین مقاومت می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۲). بنابراین بیشتر والدین می‌بینند که نوجوانانشان از یک کودک مطیع به کسی که مقاومت، مخالفت و تخطی از قوانین می‌کند، تغییر می‌کنند. این زمانی می‌افتد که بیشترین فشار روی نوجوانان برای سازگاری با قوانین والدین است. والدین به جای اینکه درک کنند که این دوره از زندگی ۱۰ تا ۱۵ سال طول می‌کشد، اغلب انتظار دارند که نوجوانانشان یک شبه بالغ شوند. معمولاً والدینی که تشخیص می‌دهند این انتقال احتیاج به زمان دارد، بیشتر از آن‌هایی که خواستار رعایت فوری قوانین هستند، با نوجوانان خود با آرامش برخورد می‌کنند (ساتروک، ۲۰۰۲).

نوجوانان به استقلال از نظر عاطفی و مالی از والدین نیاز دارند تا به یک هویت مستقل دست یابند و ارزش‌های خود را حاکم سازند، همچنین نیاز دارند به تدریج برای تصمیم‌گیری و عملکردهایشان مسئولیت‌پذیرتر شوند (بیابانگرد، ۱۳۸۲؛ خدایاری فرد، ۱۳۸۱). با رشد کودک، خواسته‌های تکاملی او برای استقلال انتظاری را به زیرمنظومه

1. Santrock

والدین تحمیل می‌کند. خصوصاً در دوره نوجوانی رفته‌رفته انتظارات والدین با انتظارات کودکان برای استقلال متناسب با سن خود در تعارض قرار می‌گیرد. والدین نمی‌توانند بدون کنترل و محدود کردن به حمایت و راهنمایی بچه‌ها پردازند. بچه‌ها هم نمی‌توانند بدون رد کردن و حمله کردن، رشد و فردیت پیدا کنند. روند اجتماعی کردن ذاتاً تعارضی است (مینوچین، ۱۳۸۱).

کنانی (۱۳۶۹) یک پژوهش توصیفی به منظور بررسی تطبیقی نظرات نوجوانان دختر با مادرانشان در زمینه‌های هویت‌یابی، استقلال‌طلبی و دوست‌یابی انجام داد. در این پژوهش ۱۲۰ نفر شرکت داشتند که شامل ۶۰ نفر دختر ۱۸ - ۱۳ ساله و ۶۰ نفر مادرانشان بودند. یافته‌ها نشان داد مسائلی از قبیل مستقلاً به سینما رفتن، تنهایی برای خرید رفتن، آزادی در معاشرت با دوستان در عدم توافق بین دخترها و مادرها مؤثر بوده است. همچنین لانگ. آن. یو^۱ (۲۰۰۰) یک پژوهش چند فرهنگی به منظور مقایسه تعارض و حل آن در خانواده‌های چینی‌های آمریکایی و خانواده‌های قفقازی انجام داد. نتایج نشان داد که خانواده‌های چینی آمریکایی بیشتر تعارضشان با فرزندانشان در زمینه‌های احترام به اعضای خانواده، کارخانه و اوقات فراغت است. در خانواده‌های قفقازی بیشتر تعارضات در زمینه‌های مواد مخدر، نوشیدن الکل و سکس است. پژوهشی در لندن بر روی ۲۳ جفت مادر - دختر از طبقات اجتماعی گوناگون در مدت سه سال انجام شد. یافته‌ها نشان داد تعارض بین مادرها و دخترها در ارتباط با نقطه‌نظرهای آنان درباره محدودیت زمان آمدن به خانه، دوستان، کارخانه، و مدرسه بود (وارنر^۲، ۲۰۰۴). معمولاً به دلیل اینکه مادرها بیش از پدرها دخترهای خود را محدود می‌کنند به همین سبب اصطحکاک میان دختر و مادر شدید می‌شود (شعاری‌نژاد^۳، ۱۳۷۲). بیل^۴ (۱۹۹۴) نیز معتقد است که والدین استقلال و خودمختاری بیشتری در سن نوجوانی به پسرها می‌دهند تا دخترها. ری^۴ (۲۰۰۳) نیز اشاره می‌کند که بحران‌های بین نسل‌هایی از زنان مخصوصاً مادرها و دخترها می‌توانند تغییرات تازه‌ای به وجود آورد و هر دو نسل رشد کنند.

1. Lang - Ann - Yu

2. Warner

3. Beel

4. Ray

فاصله زمانی بین نسل‌ها به خاطر ارتباط دائمی افراد خانواده با یکدیگر و نزدیکی آن‌ها با هم خود را خیلی بهتر نشان می‌دهد. والدین، نوجوانان را متهم به عصیانگری می‌کنند و جوانان، والدین خود را کهنه‌پرست و ارتجاعی می‌دانند، به این ترتیب بین این دو نسل اشتراک نظر و تفاهم روز به روز کمتر می‌شود (نجاتی، ۱۳۷۶). همچنین شکاف بین دو نسل به علت تغییر شدید و تند ارزش‌ها و معیارهای رفتاری که معمولاً از تغییرات سریع فرهنگی ناشی می‌شود، پیش می‌آید و نیز به این سبب که اکثر نوجوان امروز در مقایسه با والدینشان از آموزش و پرورش وسیع و غنی‌تر، و فرصت‌های فرهنگی بیشتری برخوردارند، در نتیجه اختلاف بین نوجوانان و والدینشان صرفاً نتیجه تفاوت سنی آن‌ها نیست، بلکه عمدتاً از تعارض فرهنگی میان آن‌ها ناشی می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲).

در زمینه حل تعارض نیز پژوهش‌های مختلفی شده است. از جمله: ریسچ، جکسون و چان چونگ^۱ (۲۰۰۳) پژوهشی در زمینه ارتباط والدین نوجوانان انجام دادند. هدف از این پژوهش بررسی چگونگی ایجاد تعارض در روابط والدین و جوانان سنین ۲۶ - ۲۲ سال بود. هم والدین و هم نوجوانان واکنش‌گر، منفی، مواجهه‌گر یا دوری‌کننده بودند و راه حل‌هایی که برای رفع تعارض استفاده می‌کردند شامل دست‌کاری کردن، پاسخ منفی دادن و تشر زدن بود. لانگ. آن. یو (۲۰۰۰) نیز در زمینه حل تعارض گزارش کرد خانواده‌های چینی بیشتر با استدلال و صحبت به حل تعارضات می‌پردازند. همچنین زابلی (۱۳۸۳) با استفاده از شیوه روان‌نمایشگری به حل تعارضات بین مادرها و دخترهای نوجوان پرداخت و داداش (۱۳۸۳) از طریق کاربرد بازسازی خانواده رابطه مادر - دختر را بهبود بخشید. حقیقت‌جو (۱۳۷۵) نیز با استفاده از مشاوره گروهی ولی - فرزندی درک همدلانه بین اولیاء و نوجوانان را افزایش داد.

با توجه به وجود تعارض بین والدین و نوجوانان، یکی از راه‌های کاهش آن می‌تواند افزایش ارتباطات بین اعضای خانواده باشد. مواجهه والدین و فرزندان عامل مناسبی برای رشد شناختی - عاطفی - اجتماعی آنان است و یکی از راه‌ها برای این مواجهه تشکیل گروه است (بیابانگرد، ۱۳۸۲).

1. Risch, Jackson & Chan Chong

یکی از انواع گروه‌های یاورانه، گروه مواجهه است که بیشتر در آن از رویارویی یا مقابله استفاده می‌شود. در این گروه‌ها هسته مرکزی کار، آگاهی بیشتر نسبت به خویشتن است (ثنائی، ۱۳۷۹). همچنین گروه‌های مواجهه فرصت می‌دهند تا افراد از راه تعامل فشرده درباره خود و روش ارتباط با دیگران اطلاعات بیشتری بدست آورند (نای، ۱۳۸۱). بنابراین در پژوهش حاضر تلاش شده است که با نشان دادن سودمندی گروه مواجهه در حل تعارض مادرها و دخترهای نوجوان گامی در جهت بهبود روابط اعضای خانواده برداشته شود و در این راستا فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار گرفتند: ۱- گروه مواجهه تعارض مادرها و دخترها را کاهش می‌دهد. ۲- گروه مواجهه ارتباط مادرها و دخترها را افزایش می‌دهد. ۳- گروه مواجهه عاطفه مثبت مادرها و دخترها را افزایش می‌دهد.

روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به مواردی که ذکر شد از روش «نیمه تجربی» با طرح پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد. به این صورت که از هر دو گروه آزمایش و گواه پیش آزمون گرفته شد و گروه آزمایش تحت اثر متغیر مستقل که در این پژوهش گروه مواجهه است، قرار گرفت و گروه گواه بدور از متغیر مستقل نگه داشته شد. بعد از اتمام دوره گروه مواجهه، از هر دو گروه آزمایش و گواه پس آزمون گرفته شد و در انتها دو گروه مورد سنجش و مقایسه قرار گرفتند. جامعه پژوهشی نوجوان دختر ۱۶ - ۱۵ ساله شاغل به تحصیل در سال ۸۴ - ۸۳ منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران و مادرانشان هستند. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر نمونه‌گیری خوشه‌ای است. به این ترتیب که از میان دبیرستان‌های دخترانه منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران، دو دبیرستان انتخاب شد. سپس فرم اصلاح شده رابطه ولی - فرزندی (فرم مادر- فرزند) به ۲۰۰ نفر (از هر دبیرستان ۱۰۰ نفر) از دانش‌آموزان ۱۶ - ۱۵ ساله داده شد، در هر دبیرستان ۱۰ نفر از دانش‌آموزان که کمترین نمره را بدست آوردند، انتخاب شدند. ابتدا با دانش‌آموزان و بعد با مادرانشان مصاحبه مقدماتی بعمل آمد و دانش‌آموزان به همراه مادرانشان در دو گروه گواه و آزمایشی قرار گرفتند. به طور کلی ۲۰ نفر دانش‌آموز به همراه مادرانشان در این پژوهش شرکت داشتند که در هر دبیرستان ۵ دانش‌آموز به همراه مادرانشان در گروه

آزمایشی و ۵ دانش آموز به همراه مادرانشان در گروه گواه قرار گرفتند. حجم کلی نمونه در دو مدرسه مورد پژوهش ۴۰ نفر است.

ابزار نمونه‌گیری و روش تحلیل داده‌ها

ابزار اندازه‌گیری در پژوهش حاضر پرسشنامه ولی - فرزندی است که توسط مازک ای. فاین، جی. آر. مورلند و اندرو شویل تهیه شده است. این پرسشنامه یک ابزار ۲۴ سؤالی است که توسط پرهیزکار در سال ۱۳۸۱ بر روی ۱۲۰ نفر اجرا و بعد از تجزیه و تحلیل به ۱۹ سؤال کاهش پیدا کرد. روایی صوری و محتوای این آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه الزهرا و تربیت معلم تأیید شد. اعتبار آن با ضریب آلفای کلی ۰/۹۶ و ضریب ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر از همسانی درونی عالی برخوردار است. این پرسشنامه عوامل زیر را می‌سنجد: عاطفه مثبت، آزرده‌گی / سردرگمی نقش، همانندسازی و ارتباط. این پرسشنامه به صورت مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت تدوین شده است.

برای خرده مقیاس عاطفه مثبت نمره سؤال‌های ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۱۰ تا ۱۹ و برای خرده مقیاس ارتباط نمره سؤال‌های ۴-۸-۶-۱۰-۱۱-۱۲ را جمع می‌کنیم و نمره هر خرده مقیاس بدست می‌آید. در تجزیه و تحلیل آماری، داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی پردازش شدند. در آمار توصیفی، میانگین، انحراف معیار، نمودار و در آمار استنباطی برای تحلیل داده‌ها از ۲ مستقل استفاده شد. پردازش داده‌ها از طریق رایانه با استفاده از برنامه SPSS انجام شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ - فراوانی وضعیت اشتغال پدرها و مادرها در گروه‌های آزمایشی و گواه

والدین		مادرها				پدرها	
گروه‌ها	فراوانی	درصد	خانه‌دار		آزاد		
			فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
گروه‌ها	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
	۲	۱۲/۵	۱۴	۸۷/۵	۷	۴۳/۷۵	

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که مادرهای خانه‌دار و پدرهای کارمند بیشترین گروه را شامل می‌شوند.

جدول ۲ - فراوانی در گروه‌های آزمایشی و گواه بر اساس تعداد فرزندان خانواده

تعداد فرزندان		۳ نفر یا کمتر		۶ نفر یا کمتر		بالای ۶ نفر	
شاخص	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی
گروه‌ها							
آزمایشی	۵	۳۱/۲۵	۳	۱۸/۷۵	۰	۰	۰
گواه	۴	۲۵	۳	۱۸/۷۵	۱	۶/۲۵	۱
مجموع	۹	۵۶/۲۵	۶	۳۷/۵	۱	۶/۲۵	۱

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی در مجموع گروه‌ها مربوط به خانواده‌های کم‌فرزند است.

فرضیه اول

«گروه مواجهه تعارض بین مادرها و دخترها را کاهش می‌دهد.»

جدول ۳ - ۱ محاسبه شده تعارض در گروه‌های آزمایشی و گواه

شاخص‌های آماری گروه‌ها	تعداد	میانگین افتراقی ^۱	انحراف معیار	درجه‌ی آزادی	۱ محاسبه شده	سطح معناداری
آزمایشی	۸	۱۹/۱۳	۱۱/۹۶	۱۴	۴/۷۰	۰/۰۰۱
گواه	۸	-۴/۳۸	۷/۶۰			

همان گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین اختلاف پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش (۱۹/۱۳) و در گروه گواه (-۴/۳۸) است. مقدار ۱ محاسبه شده

۱. تفاضل نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون

($4/70$) با درجه آزادی (۱۴) و سطح معناداری $0/001$ از $0/01 = \alpha$ کوچکتر است. بنابراین با 99% اطمینان می‌توان گفت تفاوت مشاهده شده حاصل تصادف و شانسر نیست و گروه مواجهه در کاهش تعارض مادر - دختر مؤثر بوده است.

فرضیه دوم

«گروه مواجهه ارتباط بین مادرها و دخترها را بهبود می‌بخشد».

جدول ۴ - ۱ محاسبه شده ارتباط در گروه‌های آزمایشی و گواه

شاخص‌های آماری گروه‌ها	تعداد	میانگین افتراقی	انحراف معیار	درجه‌ی آزادی	۱ محاسبه شده	سطح معناداری
آزمایش	۸	$4/75$	$3/05$	۱۴	$2/98$	$0/010$
گواه	۸	$-0/12$	$3/48$			

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، میانگین اختلاف پیش آزمون و پس با آزمون در گروه آزمایش ($4/75$) و در گروه گواه ($-0/12$) است. مقدار t درجه آزادی (۱۴) و سطح معناداری $0/010$ از $0/01 = \alpha$ کوچکتر است بنابراین با 99% اطمینان می‌توان و گروه مواجهه در افزایش ارتباط مادر - دختر مؤثر بوده است.

فرضیه سوم

«گروه مواجهه عاطفه مثبت بین مادرها و دخترها را افزایش می‌دهد».

جدول ۵ - ۱ محاسبه شده عاطفه در گروه‌های آزمایشی و گواه

شاخص‌های آماری گروه‌ها	تعداد	میانگین افتراقی	انحراف معیار	درجه‌ی آزادی	۱ محاسبه شده	سطح معناداری
آزمایش	۸	$19/00$	$8/12$	۱۴	$5/86$	$0/001$
گواه	۸	$-2/75$	$6/65$			

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، میانگین اختلاف پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایش (۱۹/۰۰) و در گروه گواه (۲/۷۵-) است. مقدار t محاسبه شده (۵/۸۶) با درجه آزادی (۱۴) و سطح معناداری ۰/۰۰۱ از ۰/۰۱ α کوچکتر است بنابراین با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت گروه مواجهه در کاهش تعارض مادر- دختر مؤثر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های توصیفی این پژوهش نشان داد که مادرهای خانه‌دار در دو گروه گواه و آزمایش ۸۷/۵٪ و مادرهای شاغل ۱۲/۵٪ را تشکیل می‌دهند. بنابراین مادرهای خانه‌دار در روابط خود با دخترانشان با مشکل بیشتری مواجه هستند. همچنین پدرهای دارای مشاغل آزاد در مجموع دو گروه ۴۳/۵٪ و پدرهای کارمند ۵۶/۲۵٪ را شامل می‌شوند. این نتایج با یافته‌های پرهیزکار (۱۳۸۱) همسو است. در پژوهش مذکور مادرهای خانه‌دار ۸۶/۶٪ و مادرها شاغل ۱۳/۳٪ را تشکیل می‌دادند. همچنین پدرهای دارای مشاغل آزاد ۴۰٪ و دارای مشاغل دولتی ۶۰٪ را شامل می‌شوند.

این یافته‌ها با نتایج قشنگ (۱۳۸۲) نیز همخوانی دارد. قشنگ مادرهای خانه‌دار را تنیده‌تر از مادرهای شاغل گزارش کرده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش ۵۶/۲۵٪ دخترها در خانواده‌های سه فرزندی یا کمتر، ۳۷/۵٪ در خانواده‌های شش فرزندی یا کمتر، و ۶/۲۵٪ در خانواده‌های بالای شش فرزند قرار گرفته‌اند. بنابراین در خانواده‌های کم فرزند مشکلات بین والدین و نوجوانان بیشتر است که این یافته با نتایج پرهیزکار (۱۳۸۱) همسو نیست. پرهیزکار گزارش کرد که بیشتر نوجوانان ۶۶/۴٪ دارای بحران هویت در خانواده‌های ۶ تا ۸ نفره هستند. این اختلاف در نتایج را می‌توان به مسائل فرهنگی ارتباط داد. پرهیزکار در خانواده‌های جنوب ایران کار کرده است، که خانواده‌های سنتی و پرجمعیت دارند. پژوهش حاضر در تهران انجام گرفته که در آن خانواده‌های کم جمعیت بیشتر مشاهده می‌شود.

با توجه به نتایج حاصله از t محاسبه شده فرضیه اول مبنی بر کاهش تعارض مادرها و دخترها در اثر گروه مواجهه تأیید شد و این یافته با نتایج زابلی ۱۳۸۳ همسو است. همچنین در زمینه تعارض از بین مواردی که در گروه مطرح شد کار نکردن دخترها،

بیرون رفتن از خانه و پوشش بیشترین تعارض را ایجاد می‌کرد، که این یافته‌ها با پژوهش کنانی (۱۳۷۹) همخوانی دارد و با نتایج لانگ. آن. یو (۲۰۰۰) همخوانی کمی دارد که می‌توان آن را به مسائل فرهنگی نسبت داد. بطور مثال پوشش دخترها در ایران و سکس، حاملگی زود دخترها، و نوشیدن الکل در کشورهای دیگر از جمله علل تعارض هستند که با مسائل فرهنگی ارتباط دارند.

فرضیه دوم نیز مبنی بر افزایش ارتباط مادرها و دخترها در اثر شرکت در گروه مواجهه مورد تأیید قرار گرفت. این نتایج تقریباً با پژوهش‌های کلی (۱۳۷۵) و راجرز (۱۳۷۵) همسو است. در پژوهش کلی مشاوره گروهی و فردی به شیوه مراجع - محوری باعث افزایش خود پنداره دانشجویان شد، با این توضیح که با توجه به میانگین نمرات در گروه‌های آزمایش، مشاوره گروهی اثر بخش‌تر از مشاوره فردی بود. راجرز نیز در طی مطالعاتی در زمینه سودمندی روابط مادرها با فرزندان، و معلمان با دانش‌آموزان، و ارتباط بین همسران و نامزدها به نتایج مشابهی دست یافت.

فرضیه سوم مبنی بر افزایش عاطفه مثبت مادرها و دخترها در اثر شرکت در گروه مواجهه تأیید شد. این یافته با پژوهش حقیقت‌جو (۱۳۷۵) همسو است. در پژوهش مذکور مشاوره گروهی به شیوه مراجع - محوری، درک همدلانه والدین و دختران را افزایش داد. رستایک و همکارانش به نقل از موفر (۱۳۸۳) نیز در پی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که روابط خانوادگی گرم و صمیمی باعث استیصال کمتر نوجوانان می‌شود و عامل مهم در حفاظت نوجوانان از آسیب‌ها و صدمات ناشی از رویدادهای تنش‌زا است. سیدور به نقل از راجرز (۱۳۷۵) نیز گزارش کرد که افراد در گروه مواجهه به احساسات خود نزدیکتر شدند و تمایل به ارتباط بر اساس احساس‌ها داشتند.

با توجه به مشکلات نوجوانان و جوانان در خانواده، مدرسه و اجتماع، و اثر گروه مواجهه در کاهش تعارض و افزایش ارتباط و عاطفه مثبت مادرها و دخترها، پیشنهاد می‌شود از مشاوره گروهی برای کاهش مشکلات و افزایش سازگاری نوجوانان به ویژه در مدارس استفاده شود، و با برگزاری مشاوره گروهی روابط میان فردی دانش‌آموزان را با یکدیگر و با خانواده‌هایشان افزایش دهند. در این راستا می‌توان علاوه بر مادرها سایر اعضای خانواده را نیز شرکت دهند.

منابع

- احدی، ح. و محسنی، ن. (۱۳۷۰). روانشناسی رشد. تهران: نشر بنیاد.
- احمدی، ا. (۱۳۸۲). روانشناسی نوجوانان و جوانان. تهران: انتشارات رودکی.
- بیابانگرد، ا. (۱۳۸۲). روانشناسی نوجوانی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- پرهیزکار، آ. (۱۳۸۱). مقایسه رابطه ولی - فرزندی در دانش‌آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت دبیرستان‌های دخترانه شهرستان کاررون. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.
- ثنائی ذاکر، ب. (۱۳۷۹). روان‌درمانی و مشاوره گروهی. تهران: انتشارات چهر.
- حقیقت‌جو، ف. (۱۳۷۵). اثر گروه مشاوره‌ای ولی - فرزندی بر روی درک همدلانه اولیاء و فرزندان دختر ۱۶-۱۵ ساله تهرانی. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.
- خدایاری فرد، م. (۱۳۸۱). مسائل دوران کودکی و نوجوانی. تهران: نشر سیطرون.
- داداش، ز. (۱۳۸۳). کاربرد بازسازی خانواده در بهبود رابطه مادر - دختر. رساله کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی خاتم.
- راجرز، ک. (۱۳۷۵). گروه‌های رویاروی بحثی در روان‌درمانی. ترجمه. ماهر، ف. تهران: انتشارات رشد.
- زابلی، پ. (۱۳۸۳). سنجش سودمندی روش روان‌نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض دختران با مادران. دانش‌آموز سال اول دبیرستان‌های منطقه ۲ تهران. رساله کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی خاتم.
- شعاری‌نژاد، ع. (۱۳۸۲). روانشناسی رشد. تهران: انتشارات پیام‌نور.
- قشنگ، ن. (۱۳۸۲). تأثیر آموزش مادران بر کاهش تیدگی رابطه مادر - کودک. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- کنانی، ز. (۱۳۶۹). بررسی تطبیقی نظرات نوجوانان دختر با مادرانشان در زمینه‌های هویت‌یابی، استقلال‌طلبی و دوست‌یابی در سطح تهران. رساله کارشناسی ارشد، انستیتو روانپزشکی تهران.
- موقر، م. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای در تغییر شیوه‌های مواجهه با تنش و سلامت روان نوجوانان دختر ۱۸-۱۶ سال ساکن مرکز شبانه‌روزی بیزستی تهران. رساله کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی خاتم.
- نای، ر. (۱۳۸۱). سه مکتب روانشناسی. ترجمه جلالی، ا. تهران: انتشارات پادرا.
- مینوجین، س. (۱۳۸۱). خانواده و خانواده‌درمانی. ترجمه ثنائی ذاکر، ب. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نجاتی، ح. (۱۳۷۶). روانشناسی نوجوانی. چگونگی رفتار نوجوانان. تهران: انتشارات پیکران.

- Beel, C. (1994). *Boys and Girls development of gender roles*. New York. McGraw-Hill.
- Lang. Ann - Yu. (2000). *Parent - Adolescent conflict and resolution in Chinese American and Caucasian families*. [http:// www.sfsu.edu](http://www.sfsu.edu).
- Ray. R. E. (2003). Mother / Daughter conflict in feuinist gerontology. *Journal of aging studies*, 17.
- Riesch. s.k. & Jackson. N.M.; chanchong. (2003). *Communication approaches to parent-child conflict*. [http:// www.waisman sisc.edu](http://www.waisman.sisc.edu).
- Santrock. J. (2000). *Psychology*. Boston: McGraw-Hill.
- Santrock. J. (2002) *Life-span Development*. Boston. McGraw-Hill.
- Warner. J. (2004). *Conflict between mothers and Daughters Fosters communication*. <http://my.webmd.com>.